

لجميعه المضافين الى الخبر والناس موصوفون بالعلوية لا شتم ذل يرفعه به عمل
 مبرهورا ووصف ان لوبوي غير مردم موصوف انه بان هر دو علو بزرگ بر سينگ اين در ازان
 بالله وعمل له سبحانه وتعالى فبعضهم يتقون في مراتب العلم بالله
 سجدا وعمل بر ابي او سبحانه وتعالى بس يعني ان من زني ميکنند در مرتبه علم سجدا
 كالعارفين وبعضهم يندرجون في درجات العمل كالعبادة والزهد
 مثل عارفين وبعضهم ان در مرتبه ميکنند در درجات عمل مثل عابدان وزاهدان
 وبعضهم يجمعون بينهما كالكامل فالعمل الصالح الخالص للمكان العمل يعني
 وبعضهم ان مع ميکنند بيان آن هر دو مطلقا بر عمل صالح فالحق براي مكان علي بن ابي
 انه يتم العمل للمكان كالحججه ودرجاتها والعلم بالله للمكانة العلية
 بزرگتر آن عمل نوره ميگردد بگويي را من حيث در در آن و علم بالله براي مرتبه عليت
 فانه يوجب العلوية مراتب القرب الى الله سبحانه وتعالى وذلك لان
 بس بزرگتر علم الله در سينگ علو در مرتبه بزرگ بوي الله سبحانه وتعالى وان براي كمال
 المكانة للروح كما ان المكان للجسم والعلم روح العمل والعمل جسد
 مرتبه براي روح است چنانچه بزرگتر مكان بزرگتر علم روح عمل است و عمل جسد آن
 فاقضى كل منها بحسب المناسبة ما بينهما وما تله فعل المكان
 بس تقاضا كرد هر يك از آن دو باعتبار مناسبه جز را كمش به بود از احوال بود از احوال
 العالم وعلو المكان للعامل ومن جمع بينهما ذل العالم اعني
 مرعاه است وعلو مكان مرعاه الله وهر كدم جمع كرد بيان آن هر دو بس او را هر دو
 ك عبارت از صفاتي موجودات است صور عليه است كه موجوديت كرد علم عن اعيا لادد

است اول آنکه اعيان بر ايا وجودي در سائر صفات جنس است دوم آنکه وجودي است
 آن اعيان است بس باعتبار اول ظاهر ممتد در خارج مکرر و در کيفيت است در در احوال
 و متعدد است متعدد اعيان بس بمقتضا اين اعيان هر از دو وجودي در خارج است
 و اعيان را بويي هر دو حضرت علم نه بويي از وجود خارجي ممتد همان مرتبه است
 در اين بيان حال موجودات كه موجودي بزرگي غالب است از همه عن تا
 سماك و در ظاهر بسخ نامحسوسه هلك هر دو كه است آينه خورشيد است
 در دیده آن كوني دارد باك و باعتبار دوم وجود غير از اعيان است وجود
 عن كه مراتب اعيان است و در عيب است و محلي و ظاهر است كرا در احوال عن عيب بر احوال
 جمال و جلال و اين بيان حال كسي است كه مشهور عن بويي غالب است والي هذين
 الاعتبارين اثنان من قال اندر نظر كمال ارباب علوم فان مشهور است
 خلق موبوم و اندر نظر طائفة مجربان خلق است كه ظاهر است و حالي ممتد اما محقق
 مراتب ميگردد اعني مراتب اعيان و مراتب عن و شايسته صوري كه در مراتب است
 بي التفكاك و امتياز ما از عن نیز زما است جدا بگردد در خدا و در خدا
 بل هر چه بس بويي هر ضلي است نه عن لابل هر عن نه ضلي ميگردد بيا از ان حديث اعيان را
 وجودي اند در مراتب ظاهر ممتد مكر عن مربي و صورت او وجود است
 بمخدرات صور تفصيل عن بس اين موجودات عليه لذاتها باشند بزرگتر عن
 على لذاته است لا باضافة بس در عالم از بس صفت بويي از صفت و صفت عن علو
 اضافه است بلكه علوي هم عالم بذات اوست چه ظاهرش ظاهر عن است و باطنش باطن
 عن و مجموع راجع بعين و صده كه آن عين عن است جز بكي است فقدان عالم

Kamir Saad

Copyright University